

به یان ده ئاسوو (طلوعی در افق)

دیوان شعر حشمت منصوری جمشیدی

تصحیح، ترجمه و توضیح:

محمد جلیل بهادری

تابستان ۸۹

بهادری، محمدجلیل، ۱۳۴۲
 به بیان ده ناسوو، دیوان شعر حشمت منصوری جمشیدی / تألیف: محمدجلیل بهادری -
 ایلام: دانشگاه آزاد اسلامی، ۱۳۸۸.
 ۳۱۹ ص.
 بهاء: ۵۰۰۰ ریال
 ۱. شعر کردی - قرن ۱۳ ق. ۲. منصوری جمشیدی، حشمت، قرن ۱۳ ق. الف. عنوان
 ۹ پ/ ۳۲۵۶ PIR
 فهرست نویسی براساس اطلاعات فیپا

www.ketab.ir

عنوان کتاب: به بیان ده ناسوو
 تصحیح، ترجمه و توضیح: محمد جلیل بهادری
 ویراستار: دکتر علی گراوند
 طراح جلد: جابر کاکایی
 صفحه آرای: محمد کرم پور
 ناشر: دانشگاه آزاد اسلامی واحد ایلام
 نوبت چاپ اول: تابستان ۱۳۸۹
 شمارگان: ۲۰۰۰ جلد
 قیمت: ۵۰۰۰۰ ریال
 شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۲۲۳-۹۲۶-۹

سازمان چاپ و انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی

لیتوگرافی، چاپ و صحافی:

فهرست مطالب

۹	پیش گفتار.....
۱۳	الفبای کردی جنوبی و شیوهی نوشتن آن.....
۱۵	نگاهی به زندگی و شعر حشمت منصوری.....
۳۵	فصل اول: مثنوی‌ها.....
۳۷	۱- مثنوی دلبر.....
۴۳	گفتگوی شاعر با سالکی که خواهان سیر و سلوک است.....
۴۶	آغاز آشنایی با دلبر.....
۴۷	جویا شدن عاشق از نام معشوق.....
۴۸	دلدادگی و دلواپسی عاشق.....
۵۰	حضور معشوق در خانه‌ی عاشق.....
۵۳	رفتن دلبر به چشمه‌سار.....
۵۳	جمع شدن در منزل نازی.....
۵۵	فال گرفتن دلبر.....
۵۹	حضور عاشق و معشوق و دیگر اقوام آن‌ها در منزل شاوی.....
۶۳	جمع شدن در منزل سلطان، عمه‌ی دلبر.....
۶۷	کله‌مندی عاشق از ناز و غمزه‌ی معشوق.....
۷۰	گفتگوی عاشق با محنون.....
۷۴	گفتگوی عاشق با خیال.....
۷۶	حضور عاشق در گذرگاه دلبر.....
۷۸	شکوه و شکایت عاشق با دل خویش.....
۸۰	آرمان شهر عاشق.....
۸۴	جمع شدن عاشق، خیال، ماه و پیمانه در ایوان خانه.....
۸۵	التماس عاشق از دلبر و درددل با او.....

۸۸.....	مشاهده‌ی ناگهانی معشوق.....
۹۰.....	قرار ملاقات معشوق با عاشق.....
۹۳.....	رفتن دلبر به زیارت حاج بختیار.....
۹۹.....	گفتگوی عاشق با غم بعد از بازگشت از حاجی بختیار.....
۱۰۲.....	آوارگی مرغ عالیه.....
۱۰۸.....	آمدن سلطان، عمه‌ی دلبر به بالین عاشق.....
۱۱۶.....	غایب شدن دلبر.....
۱۲۱.....	مراسم عروسی دلبر در عالم خواب و خیال عاشق (۱).....
۱۲۵.....	در خواب دیدن عروسی دلبر (۲).....
۱۲۶.....	دیدار دوباره دلبر با عاشق بعد از سی سال.....
۱۳۵.....	۲- مثنوی والیه.....
۱۳۹.....	حضور والیه در خانه‌ی ملوک.....
۱۳۹.....	دلداری والیه از سوی ملوک.....
۱۴۰.....	شکوه و شکایت والیه با ملوک.....
۱۴۳.....	به خانه‌ی بخت رفتن والیه.....
۱۴۳.....	بیان جفاهای رمضان در حق اولیه.....
۱۴۶.....	سیر و سلوک عاشقانه‌ی والیه.....
۱۴۸.....	ادامه بیان رنج‌ها و ناملايمات والیه.....
۱۴۹.....	دفاع والیه از زنان.....
۱۵۰.....	ادامه دردها و سختی‌های والیه.....
۱۵۱.....	شکوه و شکایت والیه از نوع نگاه مردم.....
۱۵۲.....	اعتراض والیه به زیبایی‌هایی خود.....
۱۵۳.....	بیان مشقت و استمرار سختی‌های والیه.....
۱۵۴.....	بیان فرومایگی‌های رمضان.....

- پرسش ملوک از والیه در مورد راز و رمز عاشقی و دلدادگی..... ۱۵۵
- پاسخ والیه به ملوک..... ۱۵۵
- حیرت ملوک از سوز و گداز عاشقانه‌ی والیه..... ۱۵۶
- ادامه‌ی گفتار والیه در سیر و سلوک دلدادگی..... ۱۵۶
- اظهار تعجب ملوک از سخنان شگفت انگیز والیه در مورد عاشق و معشوق..... ۱۵۷
- سرگذشت دلدادگی والیه..... ۱۵۷
- بیان تبعیض‌ها درباره‌ی زنان..... ۱۶۱
- آزردگی والیه از رفتار همسر و پسرش..... ۱۶۲
- اظهار رضایت ملوک از همسرش..... ۱۶۳
- ورود رمضان به خانه‌ی ملوک و ضرب و شتم والیه..... ۱۶۳
- اعتراض ملوک به جفاهایی که نسبت به زنان روا می‌دارند..... ۱۶۴
- خودسوزی والیه..... ۱۶۵
- اعتراض شاعر به مقدرات زنان..... ۱۶۷
- ۳- قوتو و سوزیاگ شه‌مع ره نجووی (بوتلان عشق)..... ۱۶۹
- ۴- ده دهس خیال زه‌بون و زشتم (خیال)..... ۱۷۳
- ۵- یه‌کی ده‌م پرسی مهرئی دل‌بهره (شوعله‌ی ره‌خشان)..... ۱۷۵
- ۶- دۆکه نیواره سارا ژنی دیم (قه‌وس قاو)..... ۱۷۷
- ۷- پروژی روزگاری نه‌یام قه‌دیم (دۆهت نهرم‌نی و کوپ مسه‌لمان)..... ۱۷۹
- ۸- دۆشه و چواره شه‌و مانگه نه‌لآتق (ماه و دل‌بهر)..... ۱۸۷
- ۹- عشق ک‌ه‌ی عشقه و مه‌ی مه‌م ک‌مه‌یه (بافه‌ی زلف)..... ۱۸۹
- ۱۰- واتم وه ده‌لیل مهر د‌ناشفته (خاک تووز عشق)..... ۱۹۰
- ۱۱- یاره‌ب وه گهر د‌ش له‌یل و نه‌ه‌ارت (قه‌سه‌م نامه) ۱..... ۱۹۳
- ۱۲- ئم‌شه و مه‌م په‌ری مرخ خاوده چه‌و (قه‌سه‌م نامه) ۲..... ۱۹۴
- ۱۳- دۆشه و مه‌م غه‌م هات و خه‌یمه دا وه دن (قه‌سم نامه) ۳..... ۱۹۶

پیش گفتار

«زبان کردی» شاخه‌ای برونمند و بالیده از درخت کهن سال زبان‌های ایرانی است و در طی سده‌ها بل هزاره‌ها به دسته‌ها و رنگ‌های متفاوتی در آمده است. این شاخه از درخت زبان‌های باستانی ایران، امروزه خود به درختی تنومند و بارآور بدل گشته و شاخه‌های رشیدی بر آن روینده و هر شاخه رنگ و بوی دیگر دارد. یک شاخه‌اش کردی کرمانجی است که در کردستان ترکیه و بخشی از کردستان عراق و به شمار اندک‌تر در آذربایجان غربی و خراسان به حیات ادامه می‌دهد. شاخه‌ی دیگر که شاید بالیده‌تر و روشن‌تر باشد، کردی سورانی است که عمدتاً در کردستان ایران، بخش‌هایی از آذربایجان غربی و کرمانشاه چشم به فرداهای روشن‌تر گشوده است. شاخه‌ی سوم در پناه کوه‌ها و دره‌های اورامانات ایران و عراق زیسته، کمتر تحول پذیرفته و رنگ و بوی باستانی خود را حفظ کرده است و بدین جهت در میان دیگر شاخه‌های کردی اندکی غریب می‌نماید. چهارمین شاخه، کردی جنوبی است که خود به زیرمجموعه‌های فیلی (ایلامی)، کلهری و لکی تقسیم می‌شود. این زبان، کمتر بدان پرداخته شده و مجال چندانی برای رشد نیافته است اما با این وصف توان و آینده‌ای شگفت دارد و با سه شاخه‌ی دیگر

ضمن تشابهات چشمگیر، تمایزات و تفاوت‌هایی نیز دارد؛ این زبان، زبان کردهای شیعه مذهب است که زمانی در پیوند با کردی هورامی، زبان معیار شعری کردها را تشکیل می‌داده و آثار گران‌سنگی از جمله دفترهای «سرانجام» بدان سروده شده است و گویشوران میلیونی دارد و دامنه‌ی گویشورانش به انبوهی در ایران و عراق گسترده است. اینک نسلی به ظهور پیوسته که به این مفاهیم علاقه‌مند است؛ می‌خواهد بی‌هیچ تعصب و افراطی، بیشتر درباره‌ی زبان خود بداند؛ رازهایش را بکاود، ظرفیت‌هایش را دریابد و وزن ادبی و علمی و ارتباطی آن را به محک موازین معتبر بسنجد.

حال که زمینه‌ی مناسبی برای پرداختن به شعر و ادبیات بومی فراهم گشته سزاوار است که صاحبان ذوق و اندیشه به رسالت ملی و ادبی خویش بپردازند و با انتشار اشعار کردی‌سپاریان و نقد و تحلیل آفاق شعر و ادب کردی، غبار بی‌مهری را از چهره‌ی این زلال چشمه‌ی خوششان بزدایند.

این بنده که شاهد استقبال و اشتیاق دانش‌آموزان، دانشجویان و به عبارتی نسل جوان به یادآوری و بازخوانی زبان و ادب و فرهنگ خود بوده است در حد توان کوشیده به لختی از این عطش و اشتیاق پاسخ دهد و همین ضرورت موجب شد تا در ۱۳۸۵ کتاب لیسک زرین (تحلیل شعر و ادبیات کردی) و در ۱۳۸۶ دو مثنوی مفصل و طولانی «دلبر» و «والیه» را تحت عنوان گزیده اشعار منصوری منتشر نماید که هر دو اثر در کمترین زمان در میان دوستداران زبان و ادبیات کردی جایگاه حقیقی خویش را یافتند و بسیاری از فرهیختگان استان، این بنده را ترغیب نمودند که به تجدید چاپ آن‌ها بپردازم. «آفرین بر نظر پاک خطاپوششان باد».

اینک پس از دو سال تلاش مستمر، دیوان کامل حشمت منصوری که در بردارنده‌ی مسائل و مطالب مختلف اجتماعی، فرهنگی، اخلاقی، دینی، عرفانی، عاشقانه‌ها، توصیف و... می‌باشد، با شرح و تفسیر به پیشگاه علاقه‌مندان به فرهنگ و ادب بومی تقدیم می‌گردد.